

کیفیت و اثبات معاد از منظر قرآن

زهرا شیرانی^۱

پایه سوم مدرسه ریحانه

چکیده

معاد و اعتقاد به عالم قیامت از اندیشه‌های اوّلیّه حیات بشری بوده است و همه ادیان الهی پیروان خود را به روزی وعده می‌دهند که به حساب همگان رسیدگی می‌شود. حقیقت جویی و تلاش برای رسیدن به حقیقت، از جمله خصوصیات انسان است که او را به تحقیق در مبدأ و معاد و باور به عالم پس از مرگ که یکی از اندیشه‌های دیرین بشر بوده است، وا میدارد. در کتب مقدس یهودیت و مسیحیت، از چگونگی معاد و کیفیت پاداش و عذاب و همچنین جزئیات حشر انسانها بحث به میان آمده است؛ پس از توحید، معاد بیشترین آیات قرآنی مربوط به موضوع معاد است؛ تا جایی که گفته شده بیش از یک سوم آیات درباره جهان پس از مرگ بوده و بسیاری از آنها بیانگر آثار ایمان یا پیامدهای انکا معاد هستند؛ زیرا ایمان به معاد ضامن اجرای قوانین الهی و زمینه ساز رسیدن به کمال نهایی و سعادت ابدی است و این خود به نحوی گویای اهمیت ایمان به معاد و لزوم توجه به آن است. از مباحث مهم معادشناسی، حکمت و فلسفه برپایی قیامت است؛ به این معنا که حکمت رستاخیز چیست و چه ضرورتی در برپایی حیات اخروی انسان وجود دارد؟ قیامت چه کمالی را به انسان می‌بخشد که وجود آن از منظر وحی الهی لازم و حتمی شده است؟

همانطور که در تعبیرات دینی آمده است، این زندگی صرفاً مقدمه و پلی برای حیاتی دیگر و آن حیات، اصل است. اگر به این نگرش درزنندگی بررسیم و درک کنیم که زندگی واقعی، همان زندگی اخروی است، نه زندگی دنیوی؛ خواهیم پذیرفت که این زندگی باید محدود باشد، نه بی نهایت؛ زیرا که صرفاً مقدمه است و غایت

و هدف نیست. حکما و متكلمان اسلامی و مفسران شیعه و اهل سنت، با روش های مختلف تفسیری با مبانی متفاوت در طول تاریخ پاسخ هایی به این پرسش داده اند؛ ما نیز کوشیده ایم به این سؤال پاسخ دهیم که عالم پس از مرگ در قرآن کریم، به چه کیفیتی است.

کلیدواژه ها: زندگی پس از مرگ ، قرآن کریم ، کیفیت اثبات ، معاد ، منظر و دیدگاه

مقدمه

اعتقاد به معاد، زندگی را معنادار کرده و انسان را از پوچگرایی رهایی میبخشد. توجه به معاد و جهان واپسین، به زندگی دنیوی انسان، نظامی خاص بخشیده و باعث میشود در رفتارها و اعتقاداتش تجدید نظر نماید. همچنین با توجه به مسئله معاد است که انسان، هدف آفرینش را بهتر درک میکند. از اینرو، یکی از مسائل مهم در زندگی انسانها توجه به اصل معاد و زندگی پس از مرگ است.

بسیاری از افراد علاقه دارند که از زندگی انسان دربرزخ و حقیقت و ماهیت این عالم آگاهی کاملی به دست آورند ولی باید توجه نمود که آگاهی کامل از جهان بزرخ برای ما امکان پذیرنیست و تا انسان گام در آن جهان نگذارد نمی تواند به کیفیت آن بی برد، همچنان که درباره سرای دیگرو عالم آخرت نیزاین چنین است فقط می توان صورتی ناقص و شبی مبهم از آن جهان ترسیم نمود، زیرا بشراز واقعیت اشیائی می تواند آگاه گردد که در قلمرو زندگی او قرار گیرد و نمونه هایی از آن را در دست داشته باشد. از این جهت اهل تحقیق معتقدند آگاهی کامل از خصوصیات زندگی بزرخی و حیات اخروی در صورتی میسر است که انسان از این جهان رخت بریند و به سوی آن جهان بشتا بد. مع الوصف می توان به کمک آیات و روایات و بیاناتی که فلاسفه دارند نشانه هایی از عالم بزرخ و جهان دیگر به دست آورد.

بسیاری از اقوام اولیه و حتی نیمه متمدن، بر این باور بودند که پس از مرگ، ارواح در زیر خاک و در جوار جانداران، زندگی جدیدی را آغاز میکنند و به شکل دیگری پس از مرگ، به زندگی ادامه میدهند و رنجها و خوشی هایی را در زیر خاک احساس میکنند. مطابق با همین عقیده بوده است که وسایل و لوازم زندگی

را در کنار مردگان دفن میکردند تا پس از مرگ از آنها استفاده کنند.

در قرآن کریم، آیاتی در مورد زمان مردن، بزرخ، قیامت، رسیدگی به اعمال و استقرار در بهشت یا دوزخ وجود دارد. اگر از مادی گرایان پرسیده شود سرانجام زندگی چیست و پایان زندگی انسان به کجا منتهی می‌گردد؟ می‌گویند مرگ پایان زندگی و مرگ انسان‌ها نابودی آنان است. اگر از آنان بپرسیم که آیا برای اصل خلقت به طور عموم و آفرینش خصوص انسان، هدف و غایتی وجود دارد؟ در پاسخ می‌گویند برای آفرینش تا چه رسد خصوص انسان هیچ نوع هدف و غرضی در کار نیست و مرگ پایان زندگی او است و پس از آن، زندگی مجددی در کارنمی باشد. قرآن مجید منطق این گروه را نقل کرده و می‌فرماید: «می‌گویند زندگی همین زندگی دنیا است و ما به زندگی مجدد بازنخواهیم گشت»^۱ آیات قرآن به خوبی این حقیقت را نشان می‌دهد که بت پرستان و همچنین سایر کفار، نه تنها در عصر پیامبر(ص)، بلکه در اعصار دیگر نیاز از مسئله معاد و زندگ شدن بعد از مرگ تعجب می‌کردند و وحشت داشتند، و حتی آن را دلیلی بر جنون گوینده آن می‌شمردند. بر همین اساس آنچه را از آیات قرآن همچنین کتب ارزشمند در باب معاد و قیامت توانستم جهت تولید و فراهم ساختن این اثربجمع آوری نمودم. از خداوند رحمن و رحیم می‌خواهیم که این سفر مشکل و نزول فرشته مرگ را بر باليين ما آسان گردداند و ما را از لطف و عنایت خودش بهره مند سازد.

۱) علت انکار معاد

از نگاه قرآن، ریشه و علت سرسختی مردم در قبول اصل معاد، چند چیز می‌تواند باشد. اولین عامل، عاملی است که در انکار هر امر غیبی و غیر محسوسی وجود دارد. در نگاه مادی و حسن گرایانه، هر امر غیر مادی، مورد انکار قرار می‌گیرد. دومین عامل، یک انگیزه روانی است و آن میل به راحتی، بی‌بندوباری و عدم مسئولیت است. زیرا اعتقاد به قیامت و محاسبه اعمال، پشتوانه نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیتهای

^۱ سوره انعام، آیه ۲۹

رفتاری و خودداری از ظلم و گناه است و با انکار آن، راه برای هوسرانی‌ها باز می‌شود: **أَيْحُسَبُ الْإِنْسَانُ أَنَّ نَجْمَعَ عِظَامَهُ.**

بلی قادرینَ عَلَى أَنْ نُسَوِّي بَنَانَهُ بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (ترجمه: آیا انسان چنین می‌پندارد که استخوانهایش را (پس از متلاشی شدن) جمع نخواهیم کرد؟ چرا (این کار را خواهیم کرد در حالی که) تواناییم که سر انگشتانشان را (مانند اول) هموار سازیم. بلکه انسان می‌خواهد جلوی خویش را باز کند (و بی‌بندوبار باشد)^۱ سومین عامل نیز بر اثر یک سری مباحث نظری و وجود برخی ابهام‌ها در مورد معاد و نحوه تحقق آن است بر اساس این سؤال که یکی از قدیمی‌ترین شباهات در مورد معاد جسمانی است، اگر انسانی معین غذای انسان دیگر شود، اجزای مأکول (خورده شده) در روز معاد یا در بدن آكل (خورنده) باز می‌گردد و یا در بدن مأکول؟ به هر صورت که فرض شود، بدن یکی از آن دو به صورت کامل در روز رستاخیز محسور نخواهد شد. فلاسفه مشاء بر اساس همین شباهه، معتقد بودند که معاد جسمانی از نظر عقلی قابل اثبات نیست. اما هر یک از متكلمان به دنبال پاسخ دادن به این سؤال برآمدند. بیشتر متكلمان، با تفکیک بین اجزای اصلی و غیر اصلی بدن و ادعای بازگشت اجزای اصلی بدن که به هیچ وجه در بدن موجود دیگری قرار نمی‌گیرند، در صدد پاسخ برآمدند.

ملاصدرا با ارائه نظریه بدن مثالی که این شباهه شامل آن نمی‌شود، در صدد ارائه بیانی دیگر از معاد جسمانی برآمد. یکی از سؤال‌هایی که در مورد معاد مطرح شده است، این است که وقتی انسان می‌میرد، روح از بدن او می‌رود و پیکر او نابود می‌شود. حال اگر معاد واقعی باشد، خداوند باید موجودی که معدوم شده را دوباره بیافریند و چون اعاده معدوم به نظر فلسفی محال است، پس معاد نیز محال است. اما خداوند در قرآن کریم در پاسخ به چنین ایرادی بیان می‌کند که انسان با مرگ از بین نمی‌رود و معدوم نمی‌شود، بلکه فرشته مرگ، جان انسان را می‌ستاند و به سوی خداوند باز می‌گرداند. بنابراین، معاد اعاده و بازگرداندن چیزی که معدوم شده

نیست، بلکه بازگشت روح موجود است. وَ قَالُوا أَئِذَا ضَلَّنَا فِي الْأَرْضِ أَئِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كافِرُونَ* قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِلَّ بِكُمْ ثُمَّ إِلَيْ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ) ترجمه: و گفتند آیا وقتی در دل زمین گم شدیم آیا باز ما در خلقت جدیدی خواهیم بود؟ نه بلکه آنها به لقای پروردگارشان و حضور او کافرنده* بگو فرشته مرگی که بر شما گمارده شده جانتان را می‌ستاند آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانیده می‌شود.^۱

۲) فلسفه معاد: عدل و حکمت خدا

در قرآن آیات فراوانی به چشم می‌خورد که از عقل‌ها و وجdan‌ها سؤال می‌کند که آیا خوبان و بدان با هم مساوی هستند و هیچ تفاوتی نخواهند داشت؟ أَمْ نَجَعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجَعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَارِ «آیا مؤمنین و کسانی که عمل شایسته انجام داده اند مانند مفسدین قرار داده ایم و آیا متّقین را همچون فجّار و جنایتکاران یکسان قرار می‌دهیم» در جای دیگر می‌خوانیم : أَفَنَجَعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ «آیا ما مسلمانان را همچون مجرمان قرار می‌دهیم؟» أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ «آیا مؤمن و فاسق یکسانند؟! هرگز چنین نیست» أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ «آیا گناهکاران گمان دارند که ما آنها را هم چون مؤمنین و کسانی که کارهای صالح انجام داده اند، قرار می‌دهیم؟» چون خداوند عادل است باید معاد و حسابرسی باشد و چون دنیا محدود است باید معاد باشد و اگر قیامت نباشد به عدالت خداوند ضرر می‌زند. توضیح آنکه مردم در برابر فرمان‌های خدا و انبیا دو دسته هستند: عده‌ای موافق و گروهی مخالف. قرآن نیز در بیان این حقیقت می‌فرماید: فَمِنْكُمْ كافِرٌ وَ مِنْكُمْ مؤمن «بعضی از شما ایمان آورده اید و گروهی هم کافر شدید.»

^۱(سوره سجده آیه ۱۰)

(۸) گواهان دادگاه الهی

در روز رستاخیز، وقتی محاکمه افراد آغازمی گردد و پرونده عمل انسان ها در محکمه عدل خداوند مطرح می شود، شهود و گواهان مختلفی برشیوه زندگی انسان ها دراین جهان، شهادت و گواهی می دهنند، به طوری که برای هیچ قاضی و دادرسی و یا ناظرخارجی شک و ابهامی باقی نمی ماند. گواهانی را که قرآن یادآوری فرموده است: خداوند درقرآن مجید درآیات متعددی خود را شاهد اعمال بشرمی خواند، قرآن می فرماید: چرا آیات الهی را منکرمی شوید خدا برآنچه که انجام می دهید شاهد و گواه است.^۱ خداوند روز رستاخیز میان آنان داوری می کند، خداوند برهمه چیزشاهد و گواه است.^۲ طبق آیات قرآن، روز رستاخیز پیامبرهرامتی برآن امت گواهی خواهد داد، قرآن می فرماید: روزی که ازمیان هرامتی، شاهدی برآنها از خود آنها برمی انگیزیم.^۳ قرآن درآیه های متعددی پیامبراسلام را شاهد امت خود می داند و می فرماید: تو را براین امت گواه می آوریم. (سوره نساء، آیه ۴۱)

گروهی از امت اسلامی براعمال امت های دیگرشهادت و گواهی خواهند داد، قرآن می فرماید: شما را امت وسط قراردادیم تا برمردم شاهد و گواه باشید و پیامبر نیز برشما شاهد و گواه باشد.^۴ روز رستاخیر به گواهی قرآن، اعضايی ازبدن مانند زبان و دست و پا گواهی می دهنند. روزی که زبان و دست و پای آنان به اعمال آنها گواهی می دهنند.^۵ گاهی بردهان آنان مهرزده می شود و تنها دست و پای آنان به اعمال گواهی می دهنند. امروز بردهان آنها مهرمی زنیم و دست های آنان با ما سخن می گویند و پاهای ایشان برکارهای آنها گواهی می

^۱ (سوره آل عمران، آیه ۹۸)

^۲ (سوره حج، آیه ۱۷)

^۳ (سوره نحل، آیه ۸۹).

^۴ (سوره بقره، آیه ۱۳)

^۵ (سوره نور، آیه ۲۴)

^۱ دهنده.

شاهد ششم پوست بدن است و پوست بدن به فرمان خداوند به سخن درمی آید. (گنهکاران) به پوست های بدن خود می گویند: چرا برضرر ما گواهی دادید. می گویند: خداوند ما را به سخن درآورد، خدایی که همه موجودات را به سخن درآورده است.^۲ گواه دیگر فرشتگان است که با مجرمان وارد دادگاه می شوند. هرنسی وارد دادگاه می شود درحالی که با او مأموری و گواهی می باشد.^۳ این مأمور و گواه به حکم آیات دیگر، فرشتگانند که تمام اعمال انسان را در طول زندگی از ریز و درشت ضبط کرده اند، قرآن می فرماید: هیچ سخنی نمی گوید مگراینکه در کنار او نگهبانی حاضر است.^۴ نامه اعمال که به وسیله فرشتگان تنظیم می گردد از جمله شهودی است که به خوبی ها و بدی های انسان ها گواهی می دهد و در این موضوع آیاتی وارد شده است که به برخی اشاره می کنیم: بگو خداوند دربی اثر ساختن مکرو حیله مشرکان سریع تراز آنان است. فرستادگان ما تمام نقشه های شما را می نویسند.^۵ هنگامی که پرونده انسان را به دادگاه می آورند، مجرمان و گنهکاران از دیدن آن آن به وحشت می افتدند، قرآن می فرماید: پرونده در برابر مجرمان قرار می گیرد، مجرمان از دیدن آنها خائف می گردند.^۶

(۹) بهشت و جهنم در قرآن

در قرآن مجید از بهشت با واژه «جنت» یاد شده است. این موضع، در سه سوره الرحمن، واقعه و دهر به صورت مفصل و در برخی از سوره های دیگر قرآن، به صورت گذرا و مجمل بیان شده است. بهشت به گفته قرآن،

^۱ (سوره یس، آیه ۶۵)

^۲ (سوره فصلت، آیه ۲۱)

^۳ (سوره ق، آیه ۲۱).

^۴ (سوره ق، آیه ۱۸)

^۵ (سوره یونس، آیه ۲۱)

^۶ (سوره کهف، آیه ۴۹)

اقامتگاه ابدی مؤمنان و محل رستگاران در جهان آخرت است. آیات متعددی در قرآن به صراحت از بهشت و نعمتهای مادی و معنوی آن یاد کرده و همچنین آن را بهعنوان وعده حیات ابدی برای نیکوکاران در نظر گرفته است. از احادیث اسلامی چنین برداشت میشود که بهشت هشت در دارد. چنانچه در حدیث صحیحی آمده است که پیامبر (ص) فرمودند: «همانا بهشت، هشت درب دارد که یکی از آنها به نام ریان است که تنها روزه داران وارد آن میشوند»^۱

ریشه واژه جهنم، «گهنهام» به معنای چاه بسیار گود و ژرف است و در استعمال قرآن، محل عذاب و عده گاه کفار و ستمگران است. این کلمه ۷۷ بار در آیات مختلف تکرار شده است^۲ عذاب های جسمانی دوزخیان شامل مواردی چون عذاب دردنگ، غذاها و نوشیدنیهای مرگبار، بادهای مهلك، زندانهای تاریک، عذابهای روحانی، غم و اندوه جانکاه و حسرتی بیپایان و تحقیر و سرزنش فراوان میباشد. از آیات متعددی از قرآن مجید چنین استنباط میشود که جهّنم دارای درهای متعدد است و در یک آیه تصريح به هفت در شده است: وَإِنَّ جَهَنَّمَ لِمَوْعِدِهِمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لَكُلُّ بَابٍ رِيَانٌ بِهِ مَعْنَى سِيرَابٍ يَا مَرْدِ سِيرَابٍ أَسْتَ وَمَقَابِلٌ عَطْشَانٌ بِهِكَارٌ مَيْرُودٌ^۳ مِنْهُمْ جُزُءٌ مَقْسُومٌ^۴ در حدیثی از امام علی (ع) نقل شده که بعد از تفسیر درهای هفتگانه دوزخ، به طبقاتی که بعضی بالای بعض دیگر قرار دارند، اشاره رفته است. در این روایت، نامهای این طبقات چنین برشمرده شده است: از همه پایینتر «جهنم» و بالای آن «لظی» و «حطمه» و فوق آن «سقر» و بالای آن «جحیم» و فوق آن «سعیر» و برتر از آن «هاویه» است^۵ (برای معانی هر یک از واژگان فوق، رک: صفیپوری (۱۳۷۷،

^۱ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج، ۴، ص (۵۰۷)

^۲ (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۸۴)

^۳ (صفیپوری، ۱۳۷۷، ذیل واهه)

^۴ (حجر: ۱۵ / ۴۳-۴۴)

^۵ (قرشی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۰)

نتیجه

معاد یا روز جزاء (یوم الدین) از ارکان اولیه و از مهمترین اصول تعالیم اسلامی است. قرآن کریم بسیار این موضوع را مورد توجه قرار داده و در حدود ۱۵۰۰ آیه را بدان اختصاص داده است. در تعابیری چون یوم الدین، یوم القيامه و... از حشر همه نژادهای آدمی بحث شده است و هر فردی به اقتضای اعمالی که در دنیا انجام داده است، به پاداش و یا عقاب آن اعمال خواهد رسید. در اینجا به مهمترین مواضعی که قرآن به جهان پس از مرگ و امور مربوط به آن اشاره داشته است، اشاره میشود.

خلاصه اینکه اولاً: چون زندگی حقیقی و غایی مادراین دنیا نیست، پس زندگی دنیوی باید محدود باشد. ثانیاً: وقتی اصل محدودیت را بپذیریم، دیگر هر مقدار که بود باید پذیرفت و گرنه هرچه بیفزا یند، بازجای سؤال دارد. اما در منطق دین، چون توجه اصلی و دغدغه مهم کیفیت است نه کمیت، لذا یک متدين واقعی به جای این که خدا را مؤاخذه کند چرا عمر بیش تری به ما نمی دهی؟ خود را همواره مؤاخذه می کند که: چرا به اندازه کافی تلاش نمی کنم تا به حیات طبیبه برسم؟ به همین دلیل درادعیه معصومان (ع)، تأکید اصلی بر این است که عمر را در راه طاعت قرار بده، نه این که بر عمر بیفزا. امام سجاد (ع): بر عمر بیفزا تا زمانی که عمر صرف اطاعت از تو باشد، اما اگر عمر چراگاه شیطان شد، روح را به سوی خودت بخوان.^۱

منابع و موارد

^۱ (بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۶۱)

خوش صحبت، مرتضی، معاد جسمانی از منظر علامه طباطبایی با تأکید بر تفسیر المیزان

ربانی گلپایگانی، علی، عقاید استدلالی

سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی

فیض کاشانی، علم اليقین فی اصول الدين، تحقيق محسن بیدار فر

مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد

وحیدی مهرجردی، شهاب الدین؛ معاد قرآنی از دیدگاه علامه مجلسی

غره الحكم و درر الحكم، ابوالفتح آمدی

اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی

مشکوه الانوار فی غرر الاخبار، علی بن حسن بن فضل طبرسی

سفینه البحار، شیخ عباس قمی

تفسیرالمیزان، محمدحسین طباطبایی

تفسیرنمونه، مکارم شیرازی

بحار الانوار ، محمدباقر مجلسی

ثواب الاعمال وعکاب الاعمال، شیخ صدوq

علم اليقین، ملا محمد محسن فیض کاشانی

میزان الحكمه ، محمد محمدی ری شهری

لئالی الاخبار، شیخ محمد نبی تویسر کانی

معاد ازنظر روح و جسم، محمد تقی فلسفی